

زندگینامه

حضرت امام خمینی (ره)

از ولادت تا هجرت

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| 1 | از ولادت تا هجرت |
| 1 | تحصیل علوم سیاسی..... |
| 1 | هجرت به قم |
| 3 | قیام 15 خرداد |
| 5 | قیام علیه احیای کاپیتولاسیون، و تبعید به ترکیه:..... |
| 6 | استمرار مبارزه |
| 7 | اوج گیری انقلاب اسلامی در سال 1356 |
| 7 | هجرت از عراق به پاریس |
| 8 | بازگشت به ایران پس از 14 سال تبعید |
| 10 | جنگ تحمیلی و دفاع 8 ساله..... |
| 10 | پیش بینی فرو پاشی قطب مارکسیستی جهان |
| 11 | دفاع از پیامبر اسلام و ارزشهای دینی |
| 11 | ویژگیهای شخصی |
| 12 | فصل هجران..... |
| 12 | آثار و تألیفات امام خمینی(ره)..... |
| 13 | منابع و مأخذ..... |

از ولادت تا هجرت

امام خمینی(ره) در روز بیستم جمادی الثانی 1320 هجری در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی ایران در خانواده اهل علم و هجرت و جهاد و در خاندانی از سلاله زهرای اطهر(س) پای در خاکدان طبیعت نهادند.

پدر بزرگوار امام خمینی(ره) مرحوم آیت الله سید مصطفی موسوی از معاصرین مرحوم آیه الله العظمی میرزای شیرازی(ره) پس از کسب علوم و معارف در نجف اشرف و رسیدن به درجه اجتهاد، به ایران بازگشت و در خمین ملجاء مردم و هادی آنان در امور دینی شد. در حالی که بیش از 5 ماه از ولادت ((روح الله)) نمی گذشت، طاغوتیان و خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت، ندای حق طلبی پدر را که در برابر زورگوئیهایشان به مقاومت برخاسته بود با گلوله پاسخ گفتند و در مسیر خمین به اراک وی را به شهادت رساندند.

تحصیل علوم سیاسی

حضرت امام از سنین کودکی و نوجوانی با بهره گیری از هوشی سرشار، قسمتی از معارف متداول روز علوم مقدماتی و سطح حوزه های دینی، از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول را نزد معلمین و علمای منطقه فرا گرفتند و در سال 1298 ه.ش عازم حوزه علمیه اراک شدند.

هجرت به قم

پس از هجرت آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی(ره) (نوروز 1300 ه.ش مطابق با رجب المرجب 1340 ه.ق) امام خمینی(ره) نیز رهسپار حوزه علمیه قم گردیدند و به سرعت مراحل تکمیلی تحصیلات حوزوی را نزد اساتید حوزه قم طی کردند. که می توان از فرا گرفتن تتمه مباحث کتاب مطوّل (در علم معانی و بیان) نزد مرحوم آقا میرزا محمد علی ادیب تهرانی و تکمیل دروس سطح نزد مرحوم آیه الله سید محمد تقی خوانساری، و بیشتر نزد مرحوم آیه الله سید علی یربلی کاشانی و دروس خارج فقه و اصول نزد زعیم حوزه قم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی نام برد.

همزمان با فراگیری فقه و اصول، ایشان نزد فقها و مجتهدین وقت به فراگیری ریاضیات و هیئت و فلسفه نزد مرحوم حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و ادامه همین دروس و نیز علوم معنوی و عرفانی نزد مرحوم آقا میرزا علی اکبر حکیمی یزدی و عروض و قوافی و فلسفه اسلامی و فلسفه غرب نزد مرحوم آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی و اخلاق و عرفان نزد مرحوم آیه الله میرزا جواد ملکی تبریزی و عالی ترین سطوح عرفان نظری و علمی به مدت شش سال نزد مرحوم آیه الله آقا میرزا محمد علی شاه آبادی پرداختند و سیر و سلوک معنوی را سرلوحه زندگی خویش ساختند.

حضرت امام طی سالهای طولانی در حوزه علمیه قم به تدریس چندین دوره فقه، اصول، فلسفه و عرفان و اخلاق اسلامی همت گماشتند و در حوزه علمیه نجف نیز قریب 14 سال معارف اهل بیت و فقه را در عالی ترین سطوح تدریس نمودند. و در نجف برای نخستین بار مبانی نظری حکومت اسلامی را در سلسله درسهای ولایت فقیه بازگو نمودند. به گفته شاگردان ایشان درس امام خمینی از معتبرترین کانونهای درسی حوزه محسوب می شد و در برخی از دوره ها سالهای تدریس در حوزه علمیه قم شاگردان حاضر در محضر استاد به 1200 نفر رسیده بودند که در میان آنان دهها تن از مجتهدین مسلم و شناخته شده حاضر بودند.

دهم فروردین 1340 ه. ش آیه الله العظمی بروجردی رحلت کردند. امام خمینی بعد از رحلت آیه الله بروجردی علی رغم استقبال حوزه علمیه و مردم، همچون ادوار گذشته زندگی خویش کوچکترین قدمی برای مرجعیت خود برنداشتند. پس از رحلت آیه الله بروجردی و تجزیه مرجعیت عظمی، رژیم شاه شتاب بیشتری به اصلاحات مورد نظر آمریکا داد.

لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی که به موجب آن شرط مسلمان بودن و سوگند به قرآن کریم تغییر می یافت در 16 مهر 1341 ه. ش به تصویب کابینه اسدالله علم رسید. امام خمینی به همراه علمای بزرگ قم و تهران به محض انتشار خبر تصویب لایحه مزبور پس از تبادل نظر، به اعتراضات همه جانبه علیه دستگاه حکومتی دست زدند.

رژیم شاه ابتدا به تهدید و تبلیغات علیه روحانیت دامن زد. با وجود این، گستره قیام رو به فزونی نهاد. در تهران، قم و برخی شهرهای دیگر بازارها تعطیل و مردم در مساجد به حمایت از

حرکت علما گرد آمدند. حضرت امام معتقد بودند که دولت می بایست رسماً لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی را لغو کند و خبر آن را انتشار دهد.

سرانجام رژیم شاه تن به شکست داد و رسماً در 7 آذر 1341 هیئت دولت، مصوبه قبلی را لغو کرد و خبر آن را به علما و مراجع تهران و قم اطلاع داد. امام خمینی در نشست با علمای قم مجدداً بر مواضع خویش پای فشردند و لغو مصوبه در پشت درهای بسته را کافی ندانستند و اعلام کردند تا زمانی که لغو آن در رسانه های عمومی پخش نشود، قیام ادامه خواهد داشت. فردای آن روز خبر لغو لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در روزنامه های دولتی منعکس شد. به دنبال این پیروزی علمای اسلام و مردم مسلمان، تبلیغات وسیعی علیه روحانیت و امام خمینی آغاز شد. شاه تصمیم به سرکوبی قیام داشت. روز دوم فروردین 1342 که مصادف با شهادت حضرت امام جعفر صادق (ع) بود مأمورین مسلح رژیم با لباس مبدل اجتماع طلاب علوم دینی در مدرسه فیضیه را بر هم زدند و متعاقب آن نیروهای پلیس با سلاح گرم وحشیانه به مدرسه فیضیه یورش بردند و به کشتار و ضرب و شتم طلاب پرداختند. همزمان مدرسه دینی طالبیه تبریز نیز مورد هجوم قرار گرفت.

امام خمینی در پیامی (به تاریخ 12/2/1342) به مناسبت چهلم فاجعه فیضیه بر همراهی علما و ملت ایران در رویارویی سران ممالک اسلامی و دول عربی با اسرائیل غاصب تأکید ورزیدند و پیمانهای شاه و اسرائیل را محکوم کردند و بدین ترتیب از آغاز قیام خویش نشان دادند که نهضت اسلامی در ایران از مصالح امت اسلامی جدا نیست.

قیام 15 خرداد

امام خمینی عصر عاشورای سال 1383 ه.ق (13 خرداد 1342 ه.ش) در مدرسه فیضیه نطق تاریخی خویش را ایراد کردند. بخش عمده ای از سخنان امام به بیان نتایج زیانبار سلطنت دودمان پهلوی و افشای روابط پنهانی شاه و اسرائیل اختصاص داشت.

سخنان امام خمینی همچون پتکی بر مغز شاه که جنون قدرت و تکبر فرعونیی او زبانزد خاص و عام بود فرود آمد. شاه فرمان خاموش کردن صدای قیام را صادر کرد. نخست جمع زیادی از

یاران امام خمینی در شامگاه 14 خرداد دستگیر و ساعت سه نیمه شب (سحرگاه پانزده خرداد 42) حضرت امام خمینی را در حالی که مشغول نماز شب بود دستگیر و به تهران برده و در بازداشتگاه باشگاه افسران تهران زندانی کردند و غروب آن روز به زندان قصر منتقل نمودند. خبر دستگیری امام به سرعت در شهر قم و مناطق اطراف پیچید. زن و مرد از روستاها و نازل خویش در شهر به سوی منزل قائد خود حرکت کردند. شعار اصلی جمعیت ((یا مرگ یا خمینی)) بود که از تمام فضای قم به گوش می رسید. هنگامی که سیل جمعیت از حرم حضرت معصومه (س) بیرون آمدند رگبار مسلسلها گشوده شد و تا ساعاتی چند درگیری شدید ادامه داشت. قیام بی رحمانه سرکوب و کنترل شد. کامیونهای نظامی، اجساد شهدا و مجروحین را به سرعت از خیابانها و کوچه ها به نقاط نا معلومی بردند.

صبحگاه پانزده خرداد خبر دستگیری رهبر انقلاب به تهران، مشهد، شیراز و دیگر شهرها رسید و وضعیتی مشابه قم پدید آورد. مردم ورامین و شهرکهای اطراف به سوی تهران سرازیر شدند. تانکها و زره پوشها و نیروهای نظامی برای جلوگیری از ورود معترضین به شهر در سه راهی ورامین با جمعیت درگیر شدند و جمع زیادی از راهپیمایان را به خاک و خون کشیدند. جمعیت انبوهی در حوالی بازار تهران و مرکز شهر نیز گرد آمده و با شعار ((یا مرگ یا خمینی)) به سوی کاخ شاه به حرکت در آمدند. سرانجام مأمورین نظامی و پلیس شاه با تیراندازی های گسترده و به کارگیری تمام توان بر قیام مردم فائق آمدند.

با دستگیری رهبر نهضت و کشتار وحشیانه مردم در روز 15 خرداد 42 قیام ظاهرا سرکوب شد. امام در حبس با شهادت تمام، از پاسخ گفتن به سئوالات بازجویان، با اعلام اینکه هیئت

حاکمه ایران و قوه قضائیه آن را غیر قانونی و فاقد صلاحیت می دانند، اجتناب ورزیدند.

در شامگاه 18 فروردین 43 بدون اطلاع قبلی امام خمینی آزاد و به قم منتقل شدند. به محض اطلاع مردم، شادمانی سراسر شهر را فرا گرفت و جشنهای با شکوهی در مدرسه فیضیه و شهر به مدت چند روز بر پاگشت. سه روز از آزادی امام نمی گذشت که نطق انقلابی ایشان، مهر بطلانی بر همه تصورات و تبلیغات رژیم زد. رهبر کبیر انقلاب در نطق خویش به تبیین ابعاد قیام 15 خرداد پرداخت و در پاسخ به گزارش کذب روزنامه ها مبنی بر تفاهم ایشان با رژیم فرمود:

((در سر مقاله نوشته بودند که با روحانیت تفاهم شده و روحانیت با انقلاب سفید شاه و ملت موافق هستند. کدام انقلاب؟ کدام ملت؟ خمینی را اگر دار بزنند تفاهم نخواهد کرد. با سرنیزه نمی شود اصلاحات کرد.))

قیام علیه احیای کاپیتولاسیون، و تبعید به ترکیه:

شاه به تصور اینکه کشتارها و بازداشتها و محاکمه ها، نیروی مقاومت عمده را از سر راه برداشته است، تحت فشار آمریکا در انجام اصلاحات دیکته شده کاخ سفید مصمم بود. احیای رژیم کاپیتولاسیون (مصونیت سیاسی و کنسولی اتباع آمریکایی در ایران) در دستور کار قرار گرفت. تصویب این لایحه به وسیله مجلسین فرمایشی سنا و شورا تیر خلاصی بر استقلال نیم بند ایران بود.

امام خمینی در روز چهارم آبان 1343 که سالروز تولد شاه بود، یکی از ماندگارترین سخنرانیهای خویش را در حضور جمع کثیری از روحانیون و مردم قم و دیگر شهرها ایراد کردند. این نطق تاریخی در حقیقت محاکمه دخالتهای غیر قانونی هیئت حاکمه آمریکا در کشور اسلامی و افشای خیانتهای شاه بود.

سحرگاه 13 آبان 1343 بار دیگر کماندوهای مسلح اعزامی از تهران، منزل امام خمینی را در قم محاصره کردند. حضرت امام بازداشت و به همراه نیروهای امنیتی مستقیماً به فرودگاه مهر آباد تهران اعزام و با یک فروند هواپیمای نظامی تحت الحفظ مأمورین امنیتی و نظامی به آنکارا پرواز کردند. اقامت امام در ترکیه یازده ماه به درازا کشید.

تبعید از ترکیه به عراق

روز 13 مهر ماه 1344 حضرت امام به همراه فرزندشان آیه الله حاج آقا مصطفی از ترکیه به تبعیدگاه دوم یعنی کشور عراق اعزام شدند.

برخلاف تصور رژیم شاه، استقبال پر شور طلاب و مردم از ایشان در عراق بیانگر آن بود که پیام نهضت 15 خرداد در عراق و نجف نیز هوادارانی یافته است. امام خمینی (ره) سلسله درسهای

خارج فقه خویش را در آبان 1344 در مسجد شیخ انصاری (ره) نجف آغاز کردند، که تا زمان هجرت از عراق به پاریس ادامه داشت.

در بهمن 1348 سلسله درسه‌های خویش را درباره حکومت اسلامی یا ولایت فقیه آغاز کردند. انتشار مجموعه این درسه‌ها در قالب کتابی تحت عنوان ((ولایت فقیه)) یا ((حکومت اسلامی)) در ایران و عراق و لبنان و در موسم حج شور تازه‌ای به مبارزه می‌داد. امام خمینی (ره) در تمام دوران پس از تبعید، علی‌رغم دشواریهای پدید آمده، هیچگاه دست از مبارزه نکشیدند، و با سخنرانیها و پیامهای خویش امید به پیروزی را در دلها زنده نگاه می‌داشتند. ایشان در پیامی (17 خرداد 1346) به مناسبت جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، و حرمت مصرف کالاهای اسرائیلی در جوامع اسلامی را صادر کردند.

استمرار مبارزه

اواخر اسفند 1353، شاه با تشکیل حزب ((رستاخیز)) و ایجاد سیستم تک حزبی، خودکامگی را به حد اعلی رساند و طی یک نطق تلویزیونی اعلام کرد که تمام ملت ایران باید عضو این حزب شوند و کسانی که مخالفند بایست گذرنامه خود را گرفته و از کشور خارج شوند. امام خمینی بلافاصله طی فتوایی اعلام کردند: (نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و کمک به ظلم و استیصال مسلمین و مخالفت با آن از روشن‌ترین موارد نهی از منکر است.)

فتوای امام خمینی و برخی دیگر از علمای اسلام کارساز و موثر افتاد. رژیم شاه علی‌رغم تبلیغات گسترده پس از چند سال رسماً شکست رستاخیز را اعلام و آنرا منحل کرد. سال 1354 و در سالگرد قیام 15 خرداد، مدرسه فیضیه قم بار دیگر شاهد قیام طلاب انقلابی بود. فریادهای درود بر خمینی و مرگ بر سلسله پهلوی به مدت دو روز ادامه داشت. این حرکت انقلابی بر شاه و ساواک بسیار گران آمد. مأموران پلیس مدرسه را محاصره و در جریان یک یورش بیرحمانه و ضرب و شتم طلاب، کلیه معترضین را دستگیر و به زندان افکندند.

شاه در ادامه سیاستهای مذهب ستیز خود در اسفند 1354 وقیحانه تاریخ رسمی کشور را مبدأ هجرت پیامبر اسلام به مبدأ سلطنت شاهان هخامنشی تغییر داد. امام خمینی در واکنش سخت، فتوای حرمت استفاده از تاریخ بی پایه شاهنشاهی را صادر کردند. تحریم استفاده از این مبدأ موهوم تاریخ همانند تحریم حزب رستاخیز از سوی مردم ایران با استقبال روبرو شد و هر دو مورد به افتضاحی برای رژیم شاه تبدیل شد تا جایی که رژیم در سال 1357 ناگزیر به عقب نشینی و لغو تاریخ شاهنشاهی شد.

اوج گیری انقلاب اسلامی در سال 1356

شهادت آیه الله حاج مصطفی خمینی در اول آبان 1356 و مراسم پر شکوهی که در ایران برگزار شد نقطه آغازی بر خیزش دوباره حوزه های علمیه و قیام جامعه مذهبی ایران بود. امام خمینی در همان زمان به گونه ای شگفت این واقعه را از الطاف خفیه الهی نامیدند. رژیم شاه با درج مقاله ای توهین آمیز علیه امام در روزنامه اطلاعات به زعم خود، از ایشان انتقام گرفت. اعتراض به این مقاله، به قیام 19 دی ماه قم در سال 56 منجر شد که طی آن جمعی از طلاب انقلابی و مردم به خاک و خون کشیده شدند. برگزاری مراسم سوم، هفتم و چهلم های پیاپی در بزرگداشت خاطره شهیدان این قیام در تبریز، یزد، جهرم، شیراز، اصفهان و تهران قیامهایی مکرر پدید آورد.

هجرت از عراق به پاریس

در دیدار وزرای خارجه ایران و عراق در نیویورک تصمیم به اخراج امام از عراق گرفته شد. روز دوم مهر 1357 منزل امام در نجف بوسیله قوای بعثی محاصره گردید. رئیس سازمان امنیت عراق در دیدار با امام خمینی گفته بود که شرط ادامه اقامت ایشان در عراق دست کشیدن از مبارزه و عدم دخالت در سیاست است و امام نیز با قاطعیت پاسخ داده بودند که به خاطر مسئولیتی که در مقابل امت اسلام احساس می کند حاضر به سکوت و هیچگونه مصالحه ای نیست.

امام خمینی روز 12 مهر، نجف را به قصد مرز کویت ترک گفتند. دولت کویت با اشاره رژیم ایران از ورود امام به این کشور جلوگیری کرد. قبلا صحبت از هجرت امام به لبنان، یا سوریه بود اما پس از مشورت با فرزندشان (مرحوم حجه الاسلام و مسلمین حاج سید احمد خمینی قدس سره) تصمیم به هجرت به پاریس گرفتند. در روز 14 مهر ایشان وارد پاریس شدند. دو روز بعد در منزل یکی از ایرانیان در نوفل لوشاتو (حومه پاریس) مستقر شدند.

در مدت اقامت 4 ماهه امام در پاریس، (نوفل لوشاتو)) مهم ترین مرکز خبری جهان بود و مصاحبه های متعدد و دیدارهای مختلف امام دیدگاههای ایشان را در زمینه حکومت اسلام و هدفهای آتی نهضت برای جهانیان بازگو می کرد. به این ترتیب جمع بیشتری از مردم جهان با اندیشه و قیام ایشان آشنا شدند و از همین مکان بود که امام، بحرانی ترین دوران نهضت را در ایران رهبری کردند.

امام خمینی در دیماه 57 شورای انقلاب را تشکیل دادند. شاه نیز پس از تشکیل شورای سلطنت و اخذ رأی اعتماد برای کابینه بختیار در روز 26 دیماه از کشور فرار کرد. خبر فرار شاه در شهر تهران و سپس ایران پیچید و مردم در خیابانها به جشن و سرور پرداختند.

بازگشت به ایران پس از 14 سال تبعید

اوایل بهمن 57 خبر تصمیم امام مبنی بر بازگشت به کشور منتشر شد. مردم 14 سال انتظار کشیده بودند. اما در عین حال مردم و دوستان امام نگران جان ایشان بودند چرا که هنوز دولت دست نشانده شاه مراکز امنیتی و فرودگاه را در تصرف داشت و حکومت نظامی برقرار بود. امام خمینی تصمیم خویش را گرفته و طی پیامهایی به مردم ایران گفته بودند می خواهد در این روزهای سرنوشت ساز و خطیر در کنار مردم ایران باشند.

سرانجام امام خمینی بامداد 12 بهمن 1357 پس از 14 سال دوری از وطن وارد کشور شدند. استقبال بی سابقه مردم ایران چنان عظیم و غیر قابل انکار بود که خبرگزاریهای غربی نیز ناگزیر از اعتراف شده و مستقبلین را 4 تا 6 میلیون نفر بر آورد کردند. سیل جمعیت از فرودگاه به سوی بهشت زهرا، مزار شهیدان انقلاب اسلامی روانه شد تا سخنان تاریخی امام را بشنوند. در همین

نطق بود که امام خمینی با صدای بلند فرمودند: ((من دولت تعیین می کنم، من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می کنم.)) شاهپور بختیار ابتدا این سخن را شوخی گرفته بود اما چند روز بیشتر نگذشت که در 16 بهمن 57 امام خمینی رئیس دولت را تعیین نمودند.

روز 19 بهمن 57 پرسنل نیروی هوایی در محل اقامت امام خمینی (مدرسه علوی تهران) با ایشان بیعت کردند. ارتش شاه در آستانه سقوط کامل قرار گرفته بود، پیش از این بسیاری از سربازان و درجه داران مومن ارتش با فتوای امام خمینی پادگانها را ترک گفته و به صفوف ملت پیوسته بودند.

روز 20 بهمن همافران در مهمترین پایگاه هوایی تهران دست به قیام زدند. گارد شاهنشاهی برای سرکوب آنان گسیل شد. مردم به حمایت از نیروهای انقلابی وارد صحنه شدند. روز 21 بهمن پایگاه پلیس و مراکز دولتی یکی پس از دیگری به دست مردم سقوط کرد. بدین ترتیب آخرین مقامتهای رژیم شاه در هم شکسته شد و صبحدم 22 بهمن، خورشید پیروزی نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی و پایان دوران دیر پای سلطنت شاهان ستمگر در ایران طلوع کرد.

مردم در سال 58 در آزادترین انتخاب تاریخ ایران تا به آن روز رأی به استقرار نظام جمهوری اسلامی دادند و متعاقب آن انتخابات پیاپی برای تدوین و تصویب قانون اساسی و انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی برگزار گردید. امام خمینی برای استقرار ارکان نظام اسلام و تبیین هدفها و اولویتهای حکومت اسلامی و تشویق مردم به حضور در صحنه ها همه روزه در محل اقامت خود و در مدرسه فیضیه قم در دیدار با هزاران تن از مشتاقان خویش سخنرانی می کردند. او پس از پیروزی انقلاب در تاریخ دهم اسفند 1357 از تهران به قم آمدند و تا زمان ابتلاء به بیماری قلبی (2 بهمن 1358) در این شهر بودند. حضرت امام پس از 39 روز مداوا در بیمارستان قلب تهران، موقتا در منزلی واقع در منطقه دربند تهران ساکن شدند و سپس در تاریخ 1359/2/27 بنا به تمایل خود به منزلی محقر در محله جماران نقل مکان کردند و تا زمان رحلت در همین منزل ماندند.

جنگ تحمیلی و دفاع 8 ساله

شکست طرح‌های براندازی نظام جمهوری اسلامی با استفاده از محاصره اقتصادی و سیاسی که از سوی آمریکا و شکست این کشور در عملیات صحرای طبرستان پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا، و ناکامی در تجهیزه کردستان، هیئت حاکمه این کشور را در سال 1359 به سمت تجربه راه حل نظامی تمام عیار سوق داد.

ارتش عراق در روز 31 شهریور 1359 تجاوز گسترده نظامی خویش را آغاز کرد. همزمان هواپیماهای نظامی عراق فرودگاه تهران و مناطق دیگر را (در ساعت 2 بعد از ظهر آن روز) بمباران کردند. ماشین جنگی صدام به سرعت کیلومترها در خاک ایران پیشروی کرد و مناطقی وسیع از پنج استان ایران را اشغال کرد. ملت قهرمان ایران به فرماندهی امام خمینی، جانانه در مقابل تجاوزگران ایستادند و بوسیله عملیاتی از جمله: ثامن‌الائم، طریق القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، و..... دشمن را از سرزمین ایران اسلامی بیرون راندند و در این راه شهدای بسیاری تقدیم کردند و با فداکاری تمام سند افتخار دیگری در تاریخ ملت مسلمان ایران ثبت کردند و آغازگران جنگ به هیچیک از هدفهای خویش نرسیدند.

پیش‌بینی فروپاشی قطب مارکسیستی جهان

امام خمینی با بصیرتی غیر قابل درک، در تاریخ 1367/10/11 طی نامه‌ای به گورباچوف چنین پیش‌بینی کرد ((از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد)).

امام خمینی در همین نامه ژرفترین تحلیلها را از تحولات جاری شوروی ارائه کرد و از آن به ((صدای شکستن استخوانهای کمونیسم)) تعبیر کرد. و با اشاره به ناکامی کمونیستها در سیاستهای مذهب ستیز آنان از گورباچف خواست که به جای امید بستن به ماده پرستی غرب، به خدا و مذهب روی آورد.

دفاع از پیامبر اسلام و ارزشهای دینی

جنگ عراق و ایران که پایان یافت رهبران سیاسی غرب تهاجم تازه ای علیه اسلام و مسلمانان انقلابی آغاز کردند. ماجرای تدوین و انتشار وسیع کتاب مبتدل (آیات شیطانی) نوشته سلمان رشدی و حمایت رسمی دولتهای غربی از آن سرآغازی بر فصل تهاجم فرهنگی بود. امام خمینی در تاریخ 1367/11/25 در ضمن چند سطر کوتاه به صدور حکم ارتداد و اعدام سلمان رشدی و ناشرین مطلع از محتوای کفرآمیز این کتاب، انقلابی دیگر برپا کردند. پیامدهای این واقعه موجودیت جامعه اسلامی را به عنوان یک امت واحده جلوه گر ساخت.

ویژگیهای شخصی

امام خمینی (ره) در زندگی، سخت معتقد به برنامه ریزی و نظم و انضباط بودند. ساعات مشخصی از شبانه روز را به عبادت و ذکر حق و قرائت قرآن و دعا و مطالعه می پرداختند. قدم زدن و در همان حال ذکر خدا گفتن و اندیشیدن جزئی از برنامه روزانه ایشان بود.

در حالی که عمر ایشان به 90 نزدیک شده بود هنوز یکی از پرکارترین رهبران سیاسی جهان بودند که نشاط خدمت در راه تعالی جامعه اسلامی و حل مشکلات آن را هیچگاه، حتی در سهمگین ترین حوادث از دست نمی دادند. علاوه بر مطالعه روزانه اهم اخبار و گزارشهای مطبوعات رسمی کشور و مطالعه دهها بولتن خبری و گوش دادن به اخبار رادیو و تلویزیون داخلی، در چندین نوبت در شبانه روز تحلیلهای و خبرهای رادیوهای بیگانه فارسی زبان را گوش می دادند تا شخصا در جریان روند تبلیغات دشمنان انقلاب قرار گیرند و راههای مقابله با آنرا اندیشه کنند.

فعالتهای متراکم روزانه و تشکیل جلسات با مسئولین نظام اسلامی موجب نمی شد تا ارتباط

با قشرهای

مردم عادی را بعنوان اصلی ترین سرمایه های نهضت اسلامی نا دیده بگیرند و در اکثر ایام

گروههای مختلف مردم در حسینیه جماران با ایشان دیدار می کردند و رهنمود می گرفتند.

فصل هجران

امام خمینی(ره) در تاریخ دوم خرداد 1368 در بیمارستان جماران بستری شدند بعد از بستری در حالی که چند عمل جراحی سخت و طولانی را تحمل کرده بودند و چندین سرم به دستهای مبارکشان وصل بود نافله شب می خواندند و قرآن تلاوت می کردند در ساعت 23/20 بعد از ظهر روز شنبه سیزدهم خرداد ماه سال 68 روح بلندشان به ملکوت اعلی پرواز کرد هجرتش داغی التیام ناپذیر بر قلبها نهاد.

جمعیت چند میلیونی و شکوه حماسه حضور مردم در مراسم تشییع پیکر امام، از شگفتی های تاریخ است. رحلت امام نیز همچون حیاتشان منشأ بیداری و نهضتی دوباره شد و راه و یادشان جاودانه گردید.

به امر امام سازمانها و نهادهای مختلفی شکل گرفت، که هر یک سهم به سزایی در حفظ انقلاب و دستاوردهای آن بازسازی کشور و دستگیری از مستمندان و اقشار آسیب پذیر داشت، که از جمله آنهاست:





- ✓ سپاه پاسداران انقلاب اسلام
- ✓ جهاد سازندگی
- ✓ بنیاد شهید
- ✓ بنیاد 15 خرداد
- ✓ بنیاد جانبازان و مستضعفان
- ✓ نهضت سوادآموزی
- ✓ دادگاه ویژه روحانیت
- ✓ مجمع تشخیص مصلحت نظام

آثار و تألیفات امام خمینی(ره)

دهها کتاب و اثر گرانبها از امام خمینی در مباحث اخلاقی، عرفانی، فقهی، اصولی، فلسفی، سیاسی و اجتماعی بر جای مانده که بسیاری از آنها تا کنون منتشر نشده است.

متأسفانه تعدادی از رساله ها و تألیفات نفیس امام در جریان جابجایی از منازل استیجاری و در جریان چندین مرحله یورش مأمورین ساواک شاه به منزل و کتابخانه ایشان مفقود گردیده است.

منابع و مأخذ

| | | |
|---|-------------------------|---|
| http://farsi.khamenei.ir | وبسایت رهبر معظم انقلاب |  |
| http://www.tebyan-zn.ir | وبسایت تبیان |  |
| https://www.aviny.com | وبسایت شهید آوینی |  |
| https://fa.wikipedia.org | دانشنامه ویکی پدیا |  |

تهیه کننده : مرضیه اسکریان

نابید کننده : سیده سمانه توحیدی